

رابطه بین تماشای برنامه‌های تلویزیون و موفقیت تحصیلی

دانش‌آموزان

دوره راهنمایی تحصیلی

سید عباس رضوی^۱

مجید جمفری زاده^۲

حمیدرضا مقامی^۳

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین تماشای برنامه‌های تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شده است. بدین منظور از میان کلیه دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی شهر کرمان ($N=18760$) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۶۰۰ دانش‌آموز انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ای استفاده شد. با اجرای این پرسشنامه محقق ساخته بر روی یک گروه ۱۰۰ نفری و انجام آزمون آلفای کرونباخ از پایا بودن پرسشنامه اطمینان حاصل شد ($\alpha=.72$). برای تأمین اعتبار یا روایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها از نظر ۷ تن از متخصصان مرتبط با موضوع استفاده شد. داده‌های به دست آمده از اجرای اصلی با استفاده از روشهای آماری توصیفی مانند میانگین و درصد و نیز روشهای آماری استنباطی مانند همبستگی، آزمون خی دو و t تک نمونه‌ای تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و موفقیت تحصیلی آنان رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که دانش‌آموزان به برنامه‌های مخصوص بزرگسالان تمایل بیشتری نشان داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: موفقیت تحصیلی، تلویزیون، تماشای برنامه، نوع برنامه تلویزیونی، مدارس راهنمایی

^۱ - عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ - کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

^۳ - کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

امروزه شاهد جریان اطلاعات از سوی منابع گوناگونی هستیم. کتاب‌ها، مجلات و فرمهای چاپی از طرفی و رسانه‌هایی چون تلویزیون و به تازگی اینترنت به ما کمک می‌کند تا دانسته‌های خود را در زمینه‌های گوناگون بالا ببریم. رسانه‌های یاد شده نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند. از این رو درک اثر رسانه‌ها، بر روی ابعاد گوناگون شخصیت آنان از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. رسانه‌های ارتباط جمعی به سبب ویژگی‌های خاصی که دارند می‌توانند پیام مورد نظر فرستنده را در محیطی وسیع پخش کنند و بدین ترتیب تعداد مخاطبان بیشتری برای این رسانه‌ها وجود دارد. از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی تلویزیون است که امروزه از پرطرفدارترین رسانه‌های ارتباط جمعی است. این رسانه به سبب قابلیت‌های شنیداری و دیداری می‌تواند پاره‌ای از تجربیات خاص را برای بینندگان به نمایش بگذارد.

تلویزیون به عنوان یک رسانه ارتباط جمعی، دارای کارکردهای گوناگونی است. از جمله می‌توان به نقش تلویزیون در اجتماعی کردن انسانهای جامعه، گسترش فرهنگ و ارزشهای دینی و اخلاقی، آموزش مهارت و دانش‌ها، گسترش افکار و جهت دادن به آنها اشاره کرد. تحقیقات مختلفی که در انگلستان و آمریکا در مورد هدف و انگیزه از تماشای تلویزیون صورت گرفته است، نشان داده است که بسیاری از مردم به تلویزیون به عنوان منبع یادگیری نگاه می‌کنند. هر چند این یادگیری تنها از اطلاع‌رسانی و آموزش‌های ساده و مستقیم حاصل نمی‌شود و میزان یادگیری غیر مستقیم از برنامه‌های نمایشی و سرگرم کننده بیشتر از یادگیری‌های مستقیم است. کودکان و نوجوانان بخشی از اوقات خود را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند و اثرات این رسانه به ویژه بر بازده‌های آموزشی کودکان و نوجوانان همواره موضوع چالش‌انگیزی بوده است.

پژوهش‌های انجام شده به نتایج گوناگونی دست یافته اند. برخی معتقدند تلویزیون تاثیر مثبتی بر بازده‌های آموزشی دانش‌آموزان دارد. تعدادی دیگر به اثرات منفی این رسانه پی برده‌اند و بالاخره عده‌ای هم چنین قضاوتی را درست ندانسته و وجود متغیرهای مختلفی را مورد بررسی قرار داده اند.

بیان مساله

از آنجا که تلویزیون یکی از رسانه‌های ارتباط جمعی است، لذا می‌تواند تاثیرات مختلفی روی افراد داشته باشد. یکی از این اثرات که در زندگی دانش‌آموزان اهمیت فراوانی دارد، اثر آموزشی آن است. بدین معنی که تلویزیون با ارائه اطلاعات و علوم مختلف می‌تواند زمینه‌ای برای اشاعه علوم، دانش و

تکنولوژی فراهم آورد. کودکان و نوجوانان از طریق فعالیت‌های خود، آموزش رسمی و اشباع شدن به یادگیری می‌پردازند. تلویزیون از طریق اشباع کردن سبب می‌شود رشد شناختی کودکان با مجموعه‌ای از اطلاعات دستخوش تغییر گردد (مداحی، ۱۳۷۴).

آنچه تا کنون بیان شد یک دید آرمانی از تاثیرات این رسانه روی دانش‌آموزان است. از طرفی تلویزیون می‌تواند دانش‌آموزان را از پرداختن به تکالیف مدرسه‌ای و مطالعه بیشتر باز دارد و آنان را به گونه‌ای بار آورد که به جای تحقیق و پژوهش و طی کردن فرایند کسب اطلاعات و دانش به تماشای تلویزیون پرداخته و به صورت منفعل از این رسانه کسب اطلاعات نمایند. بنابراین در این پژوهش تاثیرات این رسانه روی بازدھی آموزشی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است.

در سالهای اخیر شاهد تلاش روز افزون متخصصان برای افزایش کمی و کیفی برنامه‌ها هستیم. هر روزه تنوع برنامه‌های تلویزیون بیشتر می‌شود و از این رو افراد برای انتخاب برنامه‌ها گزینه‌های بیشتری پیش رو دارند. دانش‌آموزان نیز در فرصتهایی که به عنوان اوقات فراغت دارند، می‌توانند دست به انتخاب بزنند و از میان برنامه‌های تلویزیونی، آن دسته از برنامه‌ها را که مورد علاقه آنان است انتخاب کنند.

در اکثر کشورهای جهان، کودکان و نوجوانان بیش از هر کاری غیر از خوابیدن، تلویزیون تماشا می‌کنند. تلویزیون بخش زیادی از اوقات فراغت دانش‌آموزان را به خود اختصاص می‌دهد. مدت زمان تماشای تلویزیون برای دانش‌آموزان بسیار با اهمیت است، چون ممکن است فعالیت‌های دیگر آنان از قبیل ورزش، مطالعه، صحبت با دیگران و ... را از آنها بگیرد (اکبرزاده و یکتا، ۱۳۸۱).

بنا بر بعضی از پژوهش‌ها، کسانی که از تلویزیون زیاد استفاده می‌کنند، نسبت به افرادی که زمان کمتری را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند، وقت کمتری را به فعالیت‌های مفید از جمله تفریح، بازی و برقراری رابطه با والدین و افراد دیگر اختصاص می‌دهند (هیلمویت و همکاران^۱، ۱۹۵۸ به نقل از اکبرزاده و یکتا، ۱۳۸۱).

تماشای تلویزیون سبب می‌شود افراد کمتر به مطالعه، فعالیت‌های خارج از خانه و کارهای مربوط به خانه رو بیاورند و همچنین علاقه آنها به سرگرمی‌های دیگر کاهش یابد. همچنین بعضی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تلویزیون بر پیشرفت خواندن تاثیر منفی دارد، زیرا اوقاتی را که کودکان و نوجوانان باید صرف خواندن و مطالعه کنند به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند (بیتتجز^۲، ۱۹۸۸ به نقل از اکبرزاده و یکتا، ۱۳۸۱).

1- Himmelweit et al

2 - Beentjes

تماشای بیش از اندازه تلویزیون، در کودکان و نوجوانان و تاثیر آن بر موفقیت تحصیلی آنها باعث نگرانی والدین شده است. پژوهش هنگلر و دیگران^۱ (۱۹۹۱) نشان می‌دهد این نگرانی تا حدی به جاست، چرا که ایشان دریافته‌اند دانش‌آموزانی که وقت زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند نسبت به دانش‌آموزانی که کمتر تلویزیون می‌بینند یا اصلاً به تلویزیون توجهی ندارند، نمره‌های پایین‌تری به دست می‌آورند. همچنین هود و دیگران (۱۹۹۱) به نقل از اکبر زاده و یکتا، (۱۳۸۱) نیز نشان داده‌اند که فعالیت‌هایی مانند تماشای تلویزیون با موفقیت تحصیلی ارتباط منفی دارد. البته برخی دیگر معتقدند این رابطه زمانی برقرار است که تماشای تلویزیون از حدی فراتر رود (به طور مثال ۱۰ ساعت در هفته) و اگر کمتر از این مقدار باشد، این ارتباط مشاهده نمی‌شود (فلتر^۲، ۱۹۸۴). در نقطه مقابل عده‌ای نیز وجود رابطه بین تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه را رد کرده‌اند (حقیقی و دیگران، ۱۳۷۳).

اما مساله ای که با افزایش کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیون پیش می‌آید، آن است که آیا این رسانه سبب نمی‌شود دانش‌آموزان از آنچه باید بدان پردازند باز بمانند؟ و آیا تلویزیون برخی از عادات از قبیل مطالعه را در دانش‌آموزان دستخوش تغییر نمی‌کند؟ آیا برنامه‌های تلویزیونی اثرات مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند؟ این مسائل همگی نیازمند تحقیق و پژوهش هستند و به هنگام تدوین طرح‌های توسعه ملی توجه به آنها مفید فایده خواهد بود.

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است. برخی از هدف‌های جزئی پژوهش حاضر را می‌توان به این صورت بیان کرد:

الف) بررسی رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان

ب) بررسی رابطه بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و موفقیت تحصیلی آنان

ج) بررسی میزان انطباق نگرش دانش‌آموزان نسبت به تاثیر تلویزیون در تحصیل و اثر واقعی آن

د) بررسی میزان همخوانی بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و هدف آنان از تماشای برنامه‌ها

^۱ - Henggeler

^۲ - felter

سوالهای پژوهش

برای تحقق اهداف پژوهش، سوالهایی مطرح شدند. این سوالها در دو دسته قرار دارند. سوالهای دسته اول که سوالهای اصلی هستند، با پژوهش کاملاً ارتباط دارد و سوالهای فرعی به منظور فهم بهتر موضوع مورد پژوهش طرح شده‌اند.

سوالهای اصلی

- ۱- آیا بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۲- آیا بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و موفقیت تحصیلی آنان رابطه‌ای وجود دارد؟

سوالهای فرعی

- ۳- آیا بین نگرش دانش‌آموزان نسبت به اثر تلویزیون بر تحصیل و موفقیت تحصیلی آنان رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۴- آیا بین تصور دانش‌آموزان از رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی آنها با رابطه واقعی که بین این دو متغیر وجود دارد، تفاوتی مشاهده می‌شود؟
- ۵- دانش‌آموزان به برنامه‌های کدام گروه تمایل بیشتری نشان می‌دهند؟
- ۶- آیا بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و هدف آنان از تماشای تلویزیون رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

درباره تلویزیون و اثرات آن بر ابعاد گوناگون زندگی کودکان و نوجوانان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. نتایج تعدادی از مهمترین پژوهشهای مرتبط در ادامه ذکر شده است.

الف) پژوهش‌های داخل کشور

در مطالعه تطبیقی که حقیقی و دیگران (۱۳۷۳) انجام داده‌اند، اثرات تلویزیون بر کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش تلویزیون در نحوه گذران اوقات فراغت کودکان تغییر ایجاد می‌کند و فعالیت‌های خارج از خانه را کاهش می‌دهد. با این وجود بین تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباطی وجود ندارد.

در پژوهشی که صباغیان طوسی (۱۳۷۳) درباره تاثیر تلویزیون بر پیشرفت اجتماعی شدن کودک انجام داده است، نتایج زیر به دست آمده است:

- پدران در خانواده‌های مورد تحقیق به طور متوسط هر کدام هفته‌ای ۱۴ ساعت و روزانه ۲ ساعت صرف تماشای تلویزیون می‌کنند.

- مادران کودکان مورد بررسی به طور متوسط هر کدام هفته ای ۱۹/۲۵ ساعت و هر روز نزدیک به ۳ ساعت در مقابل صفحه تلویزیون قرار می گیرند و به تماشای برنامه های آن می پردازند.
- بین جنسیت و نوع برنامه رابطه وجود دارد. چنانکه بینندگان اخبار، فیلمهای مستند، برنامه های ورزشی، بیشتر مردان هستند و بینندگان فیلم و سریال، برنامه های آموزشی و برنامه کودک بیشتر زنان هستند.
- ۱۰۰ درصد کودکان مورد بررسی تمام روزهای هفته تلویزیون نگاه می کنند.
- در جامعه مورد بررسی هر کودک به طور متوسط هفته ای ۲۴/۵ ساعت تلویزیون نگاه می کند.
- در جامعه مورد بررسی هر کودک به طور متوسط روزانه ۳/۵ ساعت تلویزیون نگاه می کند.
- از میان سه گروه پدران، مادران و کودکان، بیشترین بینندگان تلویزیون کودکان هستند.
- اکثر کودکان در جامعه مورد بررسی بیننده برنامه خاص خود هستند.
- بیشترین برنامه مورد علاقه کودکان، فیلم و سریال است و چندان به اخبار و برنامه های آموزشی توجه نمی کنند.
- توجه کودکان به برنامه های تلویزیون به قدری است که ۷۲ درصد آنان در صورت افزایش تعداد ساعت برنامه های تلویزیون، در ساعات اضافی هم بیننده برنامه های آن خواهند بود.
- در پژوهشی که دلاور (۱۳۷۳) انجام داده است، رابطه بین مدت زمان تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس راهنمایی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف پژوهش بررسی میزان تاثیر تماشای برنامه های تلویزیونی بر روی وضعیت تحصیلی و نمرات دانش آموزان است و اینکه تلویزیون غیرآموزشی تا چه حدودی بر اطلاعات عمومی و میزان معلومات و آگاهی دانش آموزان تاثیر دارد. روش پژوهش پیمایشی با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان مدارس راهنمایی دخترانه و پسرانه تهران است. یافته ها نشان می دهد که تماشای تلویزیون در خانه موجب فعالتر شدن دانش آموزان و در نتیجه باعث پیشرفت تحصیلی آنان می گردد. دانش آموزان از طریق تماشای برنامه های تلویزیون می توانند مهارت یا فنی را بیاموزند. تماشای برنامه های تلویزیون موجب افزایش معلومات و آگاهی دانش آموزان می گردد. و بالاخره این نکته که دانش آموزانی که بسیاری از اوقات خود را به تماشای برنامه های تلویزیون اختصاص می دهند، باعث می گردد که تکالیف مدرسه ای را به خوبی انجام ندهند.
- رستمی (۱۳۶۴) رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش آموزان دوره متوسطه را مورد مطالعه قرار داده است. وی اینگونه نتیجه می گیرد که با تکیه بر این بررسی مشکل است که گفته شود، تماشای تلویزیون برای بچه ها از نظر کسب موفقیت در مدرسه مضر است زیرا بجز استثنایی که در

مورد دختران کلاس چهارم دیده می‌شود، در مجموع همبستگی منفی کمتری نسبت به همبستگی مثبت وجود دارد.

شیخ (۱۳۷۴) تحقیقی با عنوان "چگونگی پرداختن به فعالیتهای فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱" انجام داده است. هدف این بررسی، شناسایی نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان جامعه شهری ایران با تاکید بر چگونگی پرداخت آنان به فعالیتهای مختلف اوقات فراغت است. این تحقیق با روش پیمایشی، اوقات فراغت ۲۵۰۰۰ نوجوان یا جوان ۱۱ تا ۲۹ سال را با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که: ۱) هر فرد نوجوان به طور متوسط سه ساعت در شبانه‌روز وقت فراغت دارد. ۲) نوجوانان و جوانان عموماً زمان فراغت آنان از حدود ساعت ۱۶ شروع می‌شود و تا موقع خواب ادامه پیدا می‌کند. ۳) از مجموعه فعالیتهایی که در گذران وقت فراغت جوانان، درجه اول اهمیت را دارا است، انجام کارهای هنری بین نوجوانان دختر است. ۴) از فعالیتهایی که در سپری شدن وقت فراغت جوانان در مرتبه دوم اهمیت قرار دارند، میزان پرداختن به بازی و ورزش، مطالعه روزنامه و گوش کردن به نوار موسیقی میان جوانان مرد است که نسبت به جوانان زن در حد قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. تماشای تلویزیون سهم زمانی عمده‌ای را بخود اختصاص می‌دهد.

ب) پژوهشهای خارج از ایران

نتایج پژوهشی که سازمان آموزش و پرورش کالیفرنیا (۱۹۸۰) انجام داده است، بیانگر آن است که بین مقدار زمانی که کودک به تماشای تلویزیون می‌پردازد و نمرات او در آزمون استاندارد پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیمی وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر مدت زمان تماشای تلویزیون بیشتر باشد، فرد نمرات کمتری به دست می‌آورد.

هود و دیگران^۱ (۱۹۹۲) بین تماشای تلویزیون با پیشرفت تحصیلی ارتباط منفی یافتند. بر اساس این پژوهش دانش‌آموزانی که بیشتر به تماشای تلویزیون می‌پردازند، پیشرفت تحصیلی کمتری از خود نشان می‌دهند (اکبرزاده و یکتا، ۱۳۸۱).

در پژوهشی که هنگلر و کوهن^۲ (۱۹۹۱) روی ۲۵ کودک کلاس سوم و والدین آنها انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که پیشرفت تحصیلی با تماشای تلویزیون همبستگی منفی ندارد و این ارتباط مستقل از توانایی کلامی کودکان است.

^۱ - Hood et al

^۲ - Henggeler & Cohen

فلتر (۱۹۸۴) از پژوهش خود چنین نتیجه می‌گیرد که ارتباط بین تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی خطی نیست، بلکه منحنی شکل است. به عبارتی تماشای کمتر از ۱۰ ساعت در هفته تاثیر مثبت و اندکی بر پیشرفت تحصیلی دارد، اما تماشای بیش از ۱۰ ساعت در هفته اثرات منفی دربردارد. پوتر^۱ (۱۹۸۷) نیز اظهار داشته است که رابطه منفی بین تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی هنگامی مشاهده می‌شود که میزان تماشای تلویزیون دانش‌آموزان بیش از ۱۰ ساعت در هفته باشد. در این صورت رابطه منفی بین این دو متغیر مشاهده می‌شود.

هاسدن^۲ (۱۹۹۱) نشان می‌دهد افرادی که از نظر آموزش در سطوح پایین‌تری قرار دارند، بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند.

گورت میکر و دیگران^۳ (۱۹۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ رابطه معناداری بین تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی وجود ندارد.

کوهر^۴ (۱۹۷۹) رابطه معنادار و منفی بین تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی مشاهده کرده است. بدین معنا که هر چقدر مدت زمان تماشای تلویزیون افزایش می‌یابد، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کاهش پیدا می‌کند.

پژوهش‌های انجام شده توسط انگل^۵ (۱۹۸۱) به نقل از تامپسون و استین^۶ (۲۰۰۳)، گورمن و یو^۷ (۱۹۹۰)، پاتریک (۱۹۹۱) و تیمز^۸ (۱۹۹۷) نشان داده است بین متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار و منفی وجود دارد، اما مقدار آن بسیار کم است.

کالداس و بانکستون^۹ (۱۹۹۹)، سن پترز و دیگران^{۱۰} (۱۹۹۱) و رازل^{۱۱} (۲۰۰۱) معتقدند که اثر تلویزیون بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تا حدی به محتوا و کیفیت برنامه‌های تلویزیونی بستگی دارد.

انگل (۱۹۸۱) به نقل از تامپسون و استین (۲۰۰۳) میانگین زمان تماشای تلویزیون در هفته توسط دانش‌آموزان را حدود ۲۷ ساعت در هفته گزارش کرده است و این در حالی است که زمان مطالعه ۸ ساعت در هفته است. در مقایسه می‌توان گفت زمان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان مورد مطالعه وی، تقریباً سه برابر مدت زمان اختصاص یافته برای مطالعه است.

¹ - Potter

² - Housden

³ - Gortmaker et al

⁴ - Kohr

⁵ - Angle

⁶ - Thompson & Austin

⁷ - Gorman & Yu

⁸ - Tymms

⁹ - Caldas & Bankston

¹⁰ - St Peters et al

¹¹ - Razel

لوین و لوین^۱ (۱۹۹۶) نشان داده اند که بیش از نیمی از دانش‌آموزان مدارس ایالات متحده آمریکا بیش از سه ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند. آنها همچنین دریافتند که میان تماشای تلویزیون و مطالعه رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر دانش‌آموزان بیشتر به تماشای برنامه‌های تلویزیونی بپردازند، کمتر به مطالعه می‌پردازند.

کلارک و دیگران^۲ (۱۹۷۸) رابطه بین تماشای تلویزیون و مهارت‌های اجتماعی را بررسی کردند. آنان دریافتند هر چقدر نوجوانان بیشتر به تماشای تلویزیون می‌پردازند، مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تری داشته و نمی‌توانند ارتباط مناسبی با اعضای جامعه داشته باشند.

روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش و به دلیل ماهیت توصیفی موضوع، برای انجام پژوهش از روش زمینه‌یابی استفاده شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش تمامی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهر کرمان در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ هستند. در مجموع ۱۷۸۶۰ دانش‌آموز جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که جدول مربوط به آن در ادامه آمده است.

جدول شماره ۱ - فراوانی اعضای جامعه آماری در هر ناحیه آموزشی

ناحیه آموزشی	تعداد مدرسه	تعداد دانش‌آموز
۱	۴۰	۸۱۴۵
۲	۵۲	۹۷۱۵
جمع	۹۲	۱۷۸۶۰

نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

بر اساس جدول مورگان (۱۹۷۰)، برای جامعه آماری به حجم ۲۰ هزار عضو، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0.05$)، ۳۷۷ نفر به عنوان حداقل نمونه آماری نیاز است. بر این اساس از میان ۱۷۸۶۰ دانش‌آموز پسر مدارس راهنمایی شهر کرمان که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند، تعداد ۶۰۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه آماری از روش

^۱-levine & levine

^۲ - Clark et al

نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که از میان مدارس پسرانه راهنمایی شهر کرمان، از هر منطقه چهار مدرسه انتخاب شد. در هر مدرسه نیز از هر پایه تحصیلی یک کلاس انتخاب گردید. انتخاب پایه‌های تحصیلی در مدارس برای آن بود که دانش‌آموزان هر سه پایه اول، دوم و سوم راهنمایی در نمونه آماری حضور داشته باشد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده شد که حاوی ۱۴ سوال بود. در این پرسشنامه سؤالهایی درباره میزان تماشای تلویزیون، نوع برنامه‌های مشاهده شده، هدف دانش‌آموزان از تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... مطرح شده است. در کنار پرسشنامه، میانگین نمرات نیمسال قبلی دانش‌آموزان به عنوان شاخص موفقیت تحصیلی آنان از دفاتر مدارس استخراج شد.

روایی ابزار اندازه‌گیری

به منظور تامین روایی ابزار اندازه‌گیری، از روش نظر متخصصان استفاده شد. بدین منظور از نظر ۷ تن از متخصصان تعلیم و تربیت استفاده شد. پس از بررسی، سؤالهای نامناسب حذف شد و سؤالهای مناسب به مجموعه اضافه شد.

پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری ابتدا روی ۱۰۰ دانش‌آموز اجرای آزمایشی انجام گرفت. سپس داده‌ها با بهره‌گیری از روش آماری الفای کرونباخ تحلیل گردید. ضریب به دست آمده ($\alpha = 0.72$) نشان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار است. بنابراین می‌توان به دقت بودن ابزار اندازه‌گیری تا حد زیادی اطمینان داشت.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به دست آمده از اجرای اصلی روشهای آماری توصیفی مانند درصد و میانگین و همچنین روشهای آماری استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون χ^2 دو مورد استفاده قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از بسته نرم‌افزاری SPSS (نگارش ۱۱) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۶۰۰ پرسشنامه ای که در اختیار نمونه آماری قرار گرفت تنها ۵۸۶ پرسشنامه حاوی اطلاعات کامل بود و مابقی به دلیل نقایص موجود در فرایند تحلیل قرار نگرفت. در ادامه ابتدا هر سوال را طرح کرده و سپس آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

سوال اصلی اول: آیا بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش آموزان رابطه‌ای وجود دارد؟

به منظور بررسی این سوال میزان تماشای تلویزیون در یک مقیاس درجه بندی با معدل آنان مورد بررسی قرار گرفته است، که داده های تحلیل در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲ - همبستگی بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش آموزان

ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد نمونه
۰/۰۴۶	۰/۲۶۷	۵۸۶

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود، ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش آموزان برابر با ۰/۰۴۶ است. از مقایسه سطح معناداری مربوطه با توجه به ضریب اطمینان ۹۹ درصد و از آنجا که مقدار سطح معنی داری (۰/۲۶۷) از ۰/۰۱ بزرگتر است بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر همبستگی (رابطه خطی) وجود ندارد. پس می توان گفت بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد.

سوال اصلی دوم: آیا بین نوع برنامه مورد علاقه دانش آموزان و موفقیت تحصیلی آنان رابطه‌ای وجود دارد؟

برای پاسخ به این سوال نوع برنامه تلویزیونی که دانش آموزان مشاهده می کنند، در ارتباط با معدل آنان تحلیل شد. داده های مربوط به آزمون آمار در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳ - همبستگی بین نوع برنامه مورد علاقه و موفقیت تحصیلی دانش آموزان

ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد نمونه
- ۰/۰۶	۰/۱۴۲	۵۸۶

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین دو متغیر نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و موفقیت تحصیلی آنان برابر با $0/06$ - است. از مقایسه سطح معناداری مربوط با توجه به سطح اطمینان ۹۹ درصد و از آنجا که مقدار سطح معناداری ($0/142$) از $0/01$ بزرگتر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و موفقیت تحصیلی آنان همبستگی (رابطه خطی) وجود ندارد.

سوال فرعی اول: آیا بین نگرش دانش‌آموزان نسبت به اثر تلویزیون بر تحصیل و موفقیت تحصیلی آنان رابطه ای وجود دارد؟

در تحلیل این سوال نظر دانش‌آموزان درباره اثر تلویزیون بر تحصیل با موفقیت تحصیلی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. داده های مربوط به این تحلیل در جدول شماره ۴ می‌آید.

جدول شماره ۴ - همبستگی میان نگرش دانش‌آموزان نسبت به اثر تلویزیون بر تحصیل یا موفقیت تحصیلی آنان

ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد نمونه
$0/077$	$0/064$	۵۸۶

جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر نگرش دانش‌آموزان نسبت به اثر تلویزیون بر تحصیل و موفقیت تحصیلی آنان برابر با $0/077$ است. از مقایسه سطح معناداری مربوطه با توجه به ضریب اطمینان ۹۹ درصد و از آنجا که مقدار سطح معنی داری ($0/064$) از $0/01$ بزرگتر است می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر همبستگی وجود ندارد. شایان ذکر است مقدار سطح معنی داری ($0/064$) به $0/05$ (خطا در سطح اطمینان ۹۵ درصد) بسیار نزدیک است. از این رو بهتر است بررسی این سوال پژوهش با نمونه بزرگتری انجام شود و قطعاً نمی‌توان گفت بین این دو متغیر همبستگی وجود ندارد.

سوال فرعی دوم: آیا بین تصور دانش‌آموزان از رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی خود با رابطه واقعی که بین این دو متغیر وجود دارد، تفاوتی مشاهده می‌شود؟

در سوال اصلی اول رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت. در واقع در سوال اصلی اول شاخص پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان میانگین درسی آنها در نظر گرفته شده است که در این سوال نظر خود دانش‌آموزان درباره تاثیر برنامه‌های تلویزیونی بر موفقیت یا عدم موفقیت آنان به عنوان شاخص موفقیت تحصیلی منظور می‌شود. در این سوال به دنبال آن هستیم که دریابیم بین تصورات دانش‌آموزان با تاثیر واقعی این رسانه چه تفاوتی دیده می‌شود. برای تحلیل این سوال از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول شماره ۵ - مقایسه تصور دانش‌آموزان اثر تلویزیون بر موفقیت تحصیلی با رابطه واقعی بین این دو متغیر

مقدار t	درجه آزادی	تفاوت‌ها با سطح اطمینان ۹۹ درصد	
		سطح بالایی	سطح پایینی
۲۰/۳۶۸	۵۳۹	۱/۱۲	۰/۹۲

همان طور که از جدول شماره ۵ بر می‌آید مقدار t برابر با ۲۰/۳۶۸ است. از این رو با توجه به سطح معناداری مربوطه با ضریب اطمینان ۹۹ درصد و درجه آزادی ۵۳۹ می‌توان گفت که بین تصور دانش‌آموزان از رابطه بین تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی آنان با رابطه واقعی بین این دو متغیر تفاوت معناداری وجود دارد. از آنجا که تفاوت‌های موجود در سطوح بالایی (۱/۱۲) و پایینی (۰/۹۲) موجود در جدول شماره ۷ هر دو مثبت هستند، می‌توان نتیجه گرفت دانش‌آموزان بر این عقیده بوده‌اند که تماشای تلویزیون به موفقیت تحصیلی آنان کمک می‌کند در حالی که همان طور که پیش از این دیدیم، بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری مشاهده نشد.

سوال فرعی سوم: دانش‌آموزان به برنامه‌های کدام گروه تمایل بیشتری نشان می‌دهند؟

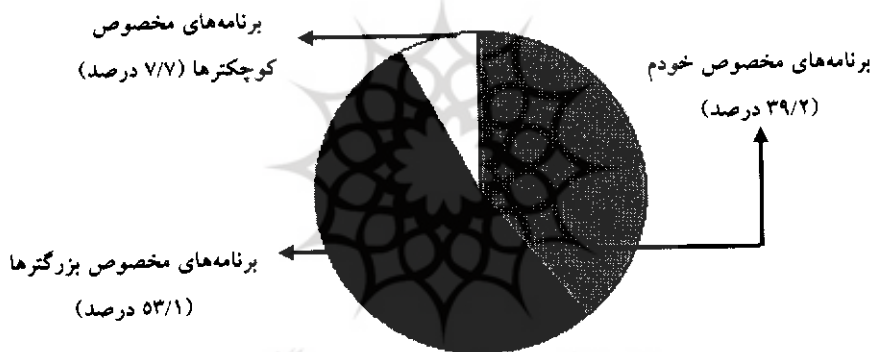
برای دستیابی به پاسخ این سوال برنامه‌های تلویزیونی در سه نوع طبقه بندی شدند. برنامه‌های مخصوص دانش‌آموزان جامعه آماری، برنامه‌های مخصوص بزرگترها و برنامه‌های مخصوص

کوچکترها این سه طبقه را تشکیل می‌دهند. برای تحلیل این سوال از روشهای آماری توصیفی استفاده می‌کنیم.

جدول شماره ۶ - توزیع تمایل دانش‌آموزان به مشاهده انواع برنامه‌ها بر اساس گروه

سنی مخاطبان برنامه

درصد	فراوانی	نوع برنامه
۳۹/۲	۲۲۹	برنامه‌های مخصوص خودم
۵۳/۱	۳۱۱	برنامه‌های مخصوص بزرگترها
۷/۷	۴۵	برنامه‌های مخصوص کوچکترها
۱۰۰	۵۸۵	جمع



نمودار ۱ - توزیع تمایل دانش‌آموزان به مشاهده انواع برنامه‌ها بر اساس محدوده سنی

با نگاهی به جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۱ می‌توان دریافت که دانش‌آموزان به برنامه‌های مخصوص بزرگترها تمایل بیشتری نشان می‌دهند (۵۳/۱ درصد)، اما به برنامه‌های مخصوص کوچکترها تمایل کمی نشان داده‌اند (۷/۷ درصد). ۳۹/۲ درصد از دانش‌آموزان نیز به برنامه‌هایی که مخصوص آنان است اظهار علاقه کرده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان بیش از آنکه به برنامه‌های مخصوص خود تمایل داشته باشند به برنامه‌های تلویزیونی مخصوص بزرگترها ابراز تمایل کرده‌اند.

سوال فرعی چهارم: آیا بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و هدف آنان از تماشای تلویزیون رابطه‌ای وجود دارد؟

یکی از اهداف این سوال بررسی رابطه بین این دو متغیر به منظور شناسایی میزان همخوانی بین هدف و طرز عمل دانش‌آموزان و دیگری بررسی دقت پاسخ‌دهندگان در پاسخگویی به سؤالی است. برای تحلیل داده‌های مرتبط به این سوال از آزمون خی‌دو استفاده شده است.

جدول شماره ۷ - جدول توافقی متغیرهای نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و هدف آنان از تماشای تلویزیون

نوع برنامه مورد علاقه		خبر	سرگرمی و تفریح	علمی	هدف از تماشای تلویزیون
اجتماعی - ورزشی	جمع				
ورزش، بازی و یادگرفتن آنها	۱۷۱	۱۰	۱۷۹	۱۱	۳۷۱
کسب معلومات عمومی و هنرهای دستی	۸۲	۱۰	۵۴	۲۴	۱۷۰
جمع	۲۵۳	۲۰	۲۳۳	۳۵	۵۴۱
مقدار خی‌دو: ۳۳/۰۸۶		درجه آزادی: ۳		سطح معناداری: ۰/۰۰۰	

برای انجام آزمون خی‌دو روی داده‌های مرتبط با این سوال طبقات پاسخ در هم ادغام شدند تا نتایج حاصل از این آزمون از صحت برخوردار باشد. بنابراین طبقات مختلف از متغیر هدف از تماشای تلویزیون با یکدیگر ترکیب شدند و در مجموع دو طبقه زیر حاصل شد:

الف) ورزش، بازی و یادگرفتن آنها

ب) کسب معلومات عمومی و هنرهای دستی

به علاوه برنامه‌های اجتماعی و ورزشی با یکدیگر ترکیب شدند و برنامه‌های "اجتماعی - ورزشی" به وجود آمد. پاسخ‌های داده شده به گزینه "موارد دیگر" نیز به همین طبقه افزوده شد.

همان گونه که در جدول شماره ۷ آمده است، مقدار خی‌دو ۳۳/۰۸۶ می‌باشد. سطح معنی‌داری مربوطه برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین با درجه آزادی ۳ و سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین دو متغیر نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و هدف آنان از تماشای تلویزیون همخوانی وجود دارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اکثر افراد با دقت به پرسشنامه پاسخ داده‌اند و همچنین هدف افراد با طرز عمل آنان در مورد تماشای برنامه‌های تلویزیونی هماهنگی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان گونه که دیدیم بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته بیانگر آن است که میزان تماشای تلویزیون نمی‌تواند به عنوان عامل اثر گذار بر موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه عمل کند. به عبارتی دیگر چنانچه دانش‌آموزان در اوقات فراغت خود به تماشای برنامه‌های تلویزیونی بپردازند یا چنانچه به این کار مبادرت نورزند میانگین نمرات مدرسه‌ای آنان تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد.

این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های حقیقی و دیگران (۱۳۷۳)، گورت میگر و دیگران (۱۹۹۰)، هاگ برگ^۱ (۱۹۹۵) و شاستری و مهیت^۲ (۱۹۹۷) همخوانی دارد. بر اساس پژوهش‌های یاد شده هیچ رابطه معناداری بین تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی وجود ندارد.

دلاور (۱۳۷۳) و رستمی (۱۳۶۴) از پژوهش‌های خود نتیجه می‌گیرند که بین تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد. بدین معنی که چنانچه میزان تماشا افزایش یابد روی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر مثبت دارد. از سوی دیگر بر اساس پژوهش سازمان آموزش و پرورش کالیفرنیا (۱۹۸۰)، هود و دیگران (۱۹۹۲) به نقل از اکبرزاده و یکتا، (۱۳۸۱)، کوهر (۱۹۷۹)، انگل (۱۹۸۱) به نقل از تامپسون و استین، (۲۰۰۳)، گورمن و یو (۱۹۹۰)، پاتریک (۱۹۹۱) و تیمز (۱۹۹۷) بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی رابطه منفی وجود دارد چرا که تماشای بیشتر تلویزیون، موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

با نتایج حاصل از پژوهش‌های فوق که بیانگر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان یکی از بازده‌های آموزشی است همخوانی ندارد.

البته فلتر (۱۹۸۴) و پوتر (۱۹۸۷) معتقدند که بین تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی ارتباط خطی وجود ندارد. بر این اساس تماشای کمتر از ۱۰ ساعت در هفته تأثیر مثبت و اندکی بر موفقیت تحصیلی دارد، اما تماشای بیش از ۱۰ ساعت در هفته اثرات منفی دارد. این یافته می‌تواند یافته حاضر را حمایت کند چرا که بسیاری از اعضای جمعیت پژوهش حاضر کمتر از این میزان به تماشای تلویزیون می‌پردازند و از این رو این مقدار بر روی موفقیت تحصیلی آنان تأثیر ندارد. از سوی دیگر همچنان که کالداس و بانکستون (۱۹۹۹)، سن پترز و دیگران (۱۹۹۱) و رازل (۲۰۰۱) اظهار داشته اند، اثر تلویزیون بر موفقیت و پیشرفت تحصیلی تا حدی به محتوا و کیفیت برنامه‌های تلویزیونی بستگی دارد. از این رو به هنگام مقایسه نتایج به دست آمده از جوامع گوناگون که دارای کیفیت‌های مختلف برنامه تلویزیونی هستند بایستی احتیاط کرد و کیفیت برنامه‌های تلویزیونی را مد نظر قرار داد.

^۱ - Hagborg

^۲ - Shastri & Mohite

این یافته می تواند دو نکته را برای ما روشن سازد. اول این که، با توجه به داده های پژوهش میزان تماشای تلویزیون در جمعیت مورد پژوهش بالا نیست و این امر باعث می شود دانش آموزان وقت بیشتری برای انجام فعالیت های تحصیلی داشته باشند. دوم این که شاید عدم وجود ارتباط میان تماشای برنامه و موفقیت تحصیلی بیانگر آن است که برنامه های تلویزیون نمی تواند اطلاعات علمی را در اختیار دانش آموزان قرار داده و نقش حمایتی برای آموزش مدرسه ای ایفا کند.

بر اساس دومین یافته پژوهش بین دو متغیر نوع برنامه مورد علاقه دانش آموزان و موفقیت تحصیلی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. هر روزه کودکان و نوجوانان برنامه های مختلفی را مشاهده می کنند. هر یک از این برنامه ها به نظر می رسد اثرات خاص خود را دارد. به طور مثال یک مسابقه تلویزیونی بیشتر به منظور افزایش معلومات عمومی یا فراهم آوردن فرصتی برای گذراندن اوقات فراغت و سرگرم کردن بیننده تهیه می شود یا هدف از تهیه و پخش برنامه های علمی، آموزش برخی از مسائل و مفاهیم به دانش آموزان است. به نظر می رسد اگر دانش آموزان از میان برنامه هایی که مشاهده می کنند بیشتر به برنامه های علمی و کمک آموزشی توجه کنند از موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردار خواهند بود، اما همچنان که این پژوهش نشان داد بین نوع برنامه ای که دانش آموزان بدان علاقه داشته و تماشا می کنند با موفقیت تحصیلی آنان رابطه معناداری مشاهده نمی شود.

البته یکی از دلایل این امر ممکن است فقدان هر نوع برنامه منظم برای دانش آموزان به منظور تماشای تلویزیون باشد. به عبارتی دیگر از آنجا که دانش آموزان خود به تنهایی یا به کمک دیگران برای تماشای برنامه های مورد علاقه خود برنامه ریزی نمی کنند ممکن است به طور منظم آنها را پی گیری نکرده و تنها در مواقعی که امکان تماشای برنامه وجود دارد یا فعالیت های دیگری ندارند به تماشای برنامه بپردازند و این امر می تواند رابطه بین این دو متغیر را تحت تاثیر قرار دهد. از سوی دیگر، برای برنامه های آموزشی تلویزیونی در کشور برنامه ریزی چندان شایسته ای نشده است چرا که برنامه های آن بسیار اندک بوده و امکان پخش بعضی از برنامه های آموزشی به طور سراسری وجود ندارد.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان می دهد که بین نگرش دانش آموزان نسبت به اثر تلویزیون بر تحصیل و موفقیت تحصیلی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. برای تحلیل این یافته باید توجه داشت که بین دانش آموزان نظرات مختلفی درباره تلویزیون وجود دارد. هنگامی که والدین به دانش آموزان توصیه می کنند که به جای تماشای برنامه های تلویزیونی به مطالعه درسهای خود بپردازند، آنان اعتقاد و نگرش خود را بیان می دارند. برخی براین باورند که تلویزیون به پیشرفت تحصیلی آنان کمک می کند و برخی دیگر آن را مانع از انجام فعالیت های تحصیلی خود می دانند. در این پژوهش بین این نگرش و میانگین نمرات دانش آموزان رابطه معناداری مشاهده نشد. در واقع تعدادی از دانش آموزان بر

این باور بودند که تلویزیون به عنوان مانعی برای درس خواندن به حساب می‌آید، در حالی که برخی دیگر آن را مانع تحصیل و مطالعه به شمار نمی‌آوردند و این نگرش به میانگین نمرات آنان که شاخص موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بود، بستگی نداشت.

از آنجا که نگرش افراد تعیین‌کننده رفتار و اعمال آنان است شاید یکی از گرایش‌های دانش‌آموزان به برنامه‌های تلویزیونی این باشد که آن را رسانه‌ای مثبت و مفید برای موفقیت تحصیلی تصور می‌کنند. یکی از دلایلی که ممکن است سبب ایجاد این تصور در دانش‌آموزان شود که تلویزیون به پیشرفت تحصیلی آنان کمک می‌کند، این است آنان تلویزیون را منبعی سرشار از اطلاعات می‌دانند. از آنجا که اطلاعات تجربیات فرد را افزایش می‌دهد، در جهت کسب علم و دانش وسیله‌ای موثر به حساب می‌آید، اما از آنجا که این تجربیات منطبق بر برنامه‌های تحصیلی دانش‌آموزان نیستند ممکن است با موفقیت تحصیلی آنان در ارتباط نباشند.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که بین تصور دانش‌آموزان از رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی خود با رابطه واقعی بین این دو متغیر تفاوت معناداری وجود دارد. شایان ذکر است همان‌طور که پیش از این دریافتیم، بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس یافته حاضر، دانش‌آموزان معتقد بودند که تماشای تلویزیون به موفقیت تحصیلی آنان کمک می‌کند در حالی که یافته‌های قبل این پژوهش خلاف این تصور را نشان داد. همان‌طور که بیان شد این تصور دانش‌آموزان ممکن است از عوامل متعددی برخاسته باشد. یکی اینکه تلویزیون همواره اطلاعاتی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و به عنوان یک رسانه جمعی سبب می‌شود دامنه دانش و آگاهی افراد بالا رود و این تصور در دانش‌آموزان ایجاد شود که تلویزیون با بالا بردن دانش و آگاهی ایشان، موفقیت تحصیلی را یاری می‌کند. اما از آنجا که اطلاعات به دست آمده از تلویزیون منطبق بر آموزه‌های رسمی در کلاس درس نیست و گاهی کاملاً بی‌ارتباط است، از این رو محتوای برنامه‌های تلویزیونی نتوانسته است در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان موثر واقع شود.

همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از میان برنامه‌های مخصوص خود، بزرگترها و کوچکترها به برنامه‌های مخصوص بزرگترها تمایل بیشتری نشان می‌دهند (۵۳/۱ درصد)، حال آنکه نسبت به برنامه‌های مخصوص کوچکترها چندان تمایل نیستند (۷/۷ درصد). ۳۹/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به برنامه‌های مخصوص خود اظهار علاقه کرده‌اند. یکی از دلایل این پدیده می‌تواند گرایش نوجوانان به بزرگسال شدن باشد. به عبارتی دیگر در جامعه دیده شده است که نوجوانان تمایل دارند از طریق انجام برخی از فعالیت‌ها خود را در برابر دیدگان دیگران بزرگسال جلوه دهند. به طور مثال ممکن است نوجوانی برای آن که به دیگران نشان دهد فرد بالغ و بزرگسالی است، اقدام به سیگار

کشیدن نماید یا اینکه به تماشای برنامه‌های مخصوص بزرگسالان بپردازد و یا رفتارهایی انجام دهد که در خور بزرگسالان است. از طرف دیگر برنامه‌های مخصوص بزرگسالان امروزی برای نوجوانان بیشتر قابل درک است و یکی از دلایل این پدیده می‌تواند رشد آگاهی دانش‌آموزان به سبب وجود رسانه‌هایی چون تلویزیون و اینترنت باشد. بنابراین دانش‌آموزان به دنبال برنامه‌هایی هستند که بتوانند تجربیات بیشتری به آنها بدهد و در برنامه‌های مخصوص بزرگسالان این تجربیات را جستجو می‌کنند.

در نهایت این پژوهش نشان داد که بین نوع برنامه مورد علاقه دانش‌آموزان و هدف آنان از تماشای تلویزیون همخوانی وجود دارد. این یافته از دو بعد اطلاعاتی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. اولین مورد استفاده این یافته برای اطمینان از صحت پاسخگویی دانش‌آموزان به سؤالیهای پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش است. از آنجا که بین نتایج حاصل از سؤالیهایی که درباره متغیر نوع برنامه مورد علاقه و متغیر هدف دانش‌آموزان از تماشای تلویزیون طرح شده اند همخوانی وجود دارد، می‌توان گفت دانش‌آموزان با دقت به سؤالیهای پرسشنامه پاسخ داده اند. از سوی دیگر، می‌توان اظهار داشت که دانش‌آموزان در تماشای برنامه‌های تلویزیونی هدفمند عمل می‌کنند و به عبارتی دیگر هدف آنان از تماشای تلویزیون برخاسته از رغبت آنان و میل ایشان به برنامه‌های تلویزیونی خاص است، صرف نظر از این که کیفیت و محتوای برنامه‌ها چگونه است.

منابع

الف) فارسی

اکبرزاده، علی و یکتا، شکوهی. (۱۳۸۱). تلویزیون و ادراک کودکان. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۳، صص ۵۶-۳۳

حقیقی، ابراهیم و دیگران. (۱۳۷۳). کودک، نوجوان و تلویزیون. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

دلاور، علی. (۱۳۷۳). رابطه بین مدت زمان تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی

رستمی، علی. (۱۳۶۴). رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

شیخ، سعادت. (۱۳۷۴). چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱. نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی جوانان

صبانغان طوسی، ملکه. (۱۳۷۳). تاثیر تلویزیون در پیشرفت اجتماعی شدن کودک. خلاصه مقالات پنجمین مجمع علمی جایگاه تربیت. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی

مداحی، محمدابراهیم. (۱۳۷۴). آثار تلویزیون بر رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان. خلاصه مقالات پنجمین مجمع علمی جایگاه تربیت. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی

ب) انگلیسی

Beentjes, B. J. (1988) *Television's Impact on Children's Reading Skills: A Review of Research*. *Reading Research Quarterly*, 23, 389-413.

Caldas, S. J., and Bankston, C. (1999). *Black and white TV: Race, Television Viewing, and Academic Achievement*. *Sociological Spectrum*, 19 (1), 39-62.

California Assessment Program(1980). *Survey of Sixth Grade School Achievement and Television Viewing Habits*. Sacramento: California State Department of Education.

Clark, R. E. et al (1978). *Schooling and Leisure Time Uses of Television (Report No. IR-005841)*. San Diego, California: San Diego Conference on Television and Learning. (ERIC Document Reproduction Services No. ED152317)

Felter, M. (1984). *Television viewing and school achievement*. *Journal of Communications*, 34 (2), 104-118.

Gorman, S., and Yu, C.C. (1990). *Science Achievement and Home Environment: National Assessment of Educational Progress 198501986 (Report No. TM-016266)*. Boston, MA: Annual Meeting of the American

Educational Research Association. (ERIC Document Reproduction Services No. ED330702)

Gortmaker, S. L. et al (1990b). *The Impact of Television on Mental Aptitude and Achievement: A Longitudinal Study*. *Public Opinion Quarterly*, 54, 594-604.

Hagborg, W. J. (1995). *High School Television Viewing Time: A Study of School Performance and Adjustment*. *Child Study Journal*, 25, 155-167.

Henggeler, S. and Cohen, R. (1991). *Family Stress as a Link in the Association between Television Viewing and Achievement*. *Child Study Journal*, 21 (1), 11-20.

Housden, T. (1991). *Television Viewing Habits of San Juan Students Related to Achievement (Report No. PS-020611)*. San Juan, CA: San Juan School District Television News. (ERIC Document Reproductive Service No. ED-345874)

Kohr, R. L. (1979). *The Relationship of Homework and Television Viewing to Cognitive and Noncognitive Student Outcomes (Report No. IR-007608)*. San Francisco, California: Annual Meeting of the National Council for Measurement in Education. (ERIC Document Reproduction Services No. ED175441)

Levine, D.U., and Levine R.F. (1996). *Society and Education (9th ed.)*. Boston, MA: Allyn and Bacon, pp. 121-124.

Patrick, J.J. (1991). *Achievement of Knowledge by High School Students in Core Subjects Of The Social Studies (Report No. SO-021176)*. Bloomington, Indiana: ERIC Clearinghouse for Social Studies/Social Science Education. (ERIC Document Reproduction Services No. ED329486)

Potter, W. J. (1987). *Does Television Hinder Academic Achievement among Adolescents? Human Communications*

Razel, M. (2001). *The Complex Model of Television Viewing and Educational Achievement*. *Journal of Educational Research*, 94 (6), 371-380.

Shastri, J., and Mohite, P. (1997). *Television Viewing Pattern of Primary School Children and its Relationship to Academic Performance and Cognitive Skills*. *International Journal of Early Years Education*, 5 (2), 152-160.

St. Peters, M. et al (2001). *The Relations of Early Television Viewing to School Readiness and Vocabulary of Children From Low-Income Families: The Early Window Project*. *Child Development*, 72 (5), 1347-1366.

Thompson, F.T. & Austin, W.P. (2003). *Television Viewing and Academic Achievement Revisited*. *Education*, 124, 194-203.

Tymms, P. (1997). *Science in Primary Schools: An Investigation into Differences in the Attainment and Attitudes of Pupils Across Schools*. *Research in Science Technological Education*, 15 (2), 149-159.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز